

نقش رسانه در بروز آسیب های اجتماعی (مطالعه موردی - تلویزیون)

رشیدپور علی^۱

شاه علی مهرزاد^۲

چکیده:

این پژوهش در راستای مطالعه و بررسی آسیب های اجتماعی ناشی از تماشای مستمر و نامتعادل تلویزیون انجام شده است. این پژوهش از لحاظ هدف، کاربردی و از نظر روش، توصیفی می باشد. از میان جامعه آماری دانشجویان مقطع دکتری رشته های علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات اصفهان، تمامی دانشجویان رشته مدیریت فرهنگی با توجه به ارتباط موضوعی رشته تحصیلی شان، به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. برای جمع آوری داده ها نیز از دو روش کتابخانه ای و میدانی (پرسشنامه ۲۸ گویه ای) استفاده شده است. مهم ترین مؤلفه هایی که براساس مطالعه ادبیات موضوع، شناسایی و طی یک فرضیه اصلی و شش فرضیه فرعی مورد توجه قرار گرفته اند، شامل؛ تغییر و دگرگونی در ادراکات، کنش و واکنش های دماغی، قدرت تخیل و مکانیسم خلاقیت های ذهنی، شکاف طبقاتی، جایگاه رسانه در زندگی اجتماعی و روش های اثربخشی پیام می باشد. نتایج بدست آمده از پژوهش نیز بیانگر آن است که میان تماشای پیوسته تلویزیون و بروز آسیب های اجتماعی رابطه معنی داری وجود دارد.

واژگان کلیدی

فرهنگ، رسانه، تلویزیون، آسیب های اجتماعی

Designer: kazem azhadi - shahram

^۱ استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه

^۲ دانشجوی دکتری مدیریت و برنامه ریزی فرهنگی آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات اصفهان

مقدمه

ورود به دوره رنسانس و رشد و گسترش نظام نوین صنعتی، اگر چه تحولی عظیم در زندگی بشر ایجاد نموده و بارقه امید در دستیابی به رفاه اجتماعی را برای ابناء بشری زنده نگاه داشته، اما استفاده ابزاری و بی قید و شرط از تکنولوژی همواره عوارض و آسیب‌هایی را به دنبال داشته است. امروزه بشر، در حالی پا به عرصه دهه دوم قرن بیست و یکم می‌گذارد که در دنیایی از امواج الکترونی و اطلاعات غوطه‌ور است و ارتباطات به عنوان مهمترین ثروت هر جامعه و نظام‌های اجتماعی آن شناخته می‌شود.

در دورانی که به «عصر ارتباطات»^۳ شهره است، اطلاعات به سادگی و به سرعت، در کمتر از چند ثانیه از طریق ابزارها و رسانه‌های نوشتاری، شنیداری و دیداری به مخاطبین منتقل می‌گردد، ابزارها و تکنیک‌هایی که هر کدام از ایدئولوژی خاصی برخوردار است، به طوری که نمی‌توان آن را خنثی و بی‌طرف انگاشت و انسان را بی‌قید و شرط حاکم بر آن تلقی نمود. چه بسا در جوامعی که به دلیل کاربرد ناصواب و غیر اخلاقی از رسانه‌ها به ویژه رسانه‌های همچون تلویزیون، افراد قدرت تفکر و خلاقیت خود را از دست داده و محو حاکمیت بلا منازع چنین رسانه‌ای گردیده‌اند، تا جایی که اندیشمندان علوم اجتماعی آن را خطری جدی و مهلک برای فرهنگ بشری دانسته و افسار گسیختگی آن را عامل انهدام اراده و نظام شکل‌گیری آراء و عقاید انسانی بر شمرده‌اند.

کاربرد ابزاری و بی‌حد و مرز از تلویزیون موجب گردیده تا این رسانه فراگیر به مدد امواج الکترونی و ماهواره‌ای، آخرین بقایای خرد، فرهنگ، شعور و اخلاق^۴ را از کره خاکی محو و حاکمیت ماشین‌نسیسم را بر سراسر جامعه انسانی تثبیت نماید. طبعاً جوامعی که از فرهنگی غنی و هوشیار برخوردارند، می‌توانند با تأکید بر اخلاق، سنت و آداب و رسوم، فرهنگ جامعه خود را واکسینه نموده و حتی الامکان خطر این مهاجم و یرانگر را کاهش دهند. هر چند دسترسی آسان به آنتن‌های ماهواره چنین تضمین و مصونیتی را نیز کم رنگ نموده است.

بیان مسأله

3- Communications Age

4-Ethic

تأثیر مثبت تکنولوژی ارتباطات و نمود آن از قاب رسانه به ویژه رسانه‌های سمعی و بصری همچون تلویزیون و نقش شگفت‌انگیزی که در نزدیکتر شدن جوامع، گسترش روابط آنها و از میان برداشتن مرزها، همچنین رشد شخصیت و آموزش افراد به ویژه نوجوانان و جوانان داشته بر هیچ کس پوشیده نیست، اما آنچه که از بابت این تکنولوژی به ویژه در قالب تلویزیون موجبات نگرانی‌اندیشمندان علوم اجتماعی را فراهم آورده است، استفاده ابزاری و بی‌قید و بند و عوارض فرهنگی - اجتماعی است که در تمامی جوامع بشری به ویژه جوامع صنعتی و پیشرفته در پی داشته است. به طوری که نمی‌توان خطر کاربرد تکنولوژی بدون اخلاق و آثار سوء و پیامدهای قهری آن را در حوزه‌های فرهنگی، خانواده، نظام آموزشی، دین، تاریخ، سنت و اخلاق و حتی در زمینه‌های سیاسی و اقتصادی، نادیده گرفت.

امروزه شبیخون گسترده نظام صنعتی نوین به فرهنگ بشری از طریق ابزار رسانه‌ای تلویزیون موجب گردیده تا خط فاصل و مرز حائل میان دوران کودکی و بزرگسالی از میان برداشته‌شود. در شرایط امروزی، در حالی که کودک از ۱۸ ماهگی به تماشای تلویزیون می‌پردازد و از سه سالگی بیننده معتاد این رسانه تصویری است که در برنامه‌های این جعبه جادویی، تفاوت چندانی میان کودک و بزرگسال وجود ندارد. (پستمن، ۱۳۸۸)

اعتیاد به تلویزیون و تماشای آن ذهن را تنبل و قدرت مطالعه و حتی درک پیام نهفته در یک جمله مکتوب را از انسان ربوده است. ضمن این که قدرت خیال پردازی و مرکز هدایت قدرت تکلم در کودکان را تحت تأثیر قرار داده است. در واقع تماشای تلویزیون، قدرت تمرکز انسان‌ها را کاهش داده و حوصله مطالعه را از آنان سلب نموده است. همچنین با پرده‌داری، موجب از بین رفتن احساس شرم و حیاء و عفت، خویشتن‌داری، ادب اجتماعی و خجالت، و کمرنگ شدن آمریت بزرگسالان بر کودکان گردیده است. فضای آموزشی دبستانی و دبیرستانی روز به روز تنگ‌تر گردیده و قدرت فراگیری کاهش یافته است.

ارتباط انسان‌ها و داد و ستدهای عاطفی و اجتماعی، تقلیل یافته و شعور اجتماعی و محتوای گفتگوهای عامیانه رو به ابتذال گذارده است. فرهنگ و هنر به نازل‌ترین حد خود تنزل کرده و نظام اخلاقی و نظام‌اندیشه و مبانی شکل‌گیری آراء و عقاید متلاشی شده است.

ارزش‌های انسانی و باورهای مذهبی و نمادهای ملی و میهنی رنگ باخته است. واژه‌ها و مفاهیم و معیارها دگرگون شده و بی‌تفاوتی عمومی نسبت به رخدادها و حوادث و مسائل اجتماعی به مرحله خطرناکی رسیده و از همه مهم‌تر این که خطر سقوط فرهنگ و اجتماع بیش از هر زمان دیگری، نمودار شده است. طبعاً زمانی که حصار اخلاقی

نیز از محدوده برنامه‌های تلویزیونی کنار رود و با جنگ و خشونت، برهنگی و سکس، شوهای تجاری و مبتذل همراه باشد، تأثیر منفی و عوارض و آسیب‌های ناشی از تلویزیون شدیدتر خواهد شد، زیرا تا عمق حریم نظام‌های اجتماعی به ویژه خانواده نفوذ کرده و تا ویرانی آن به پیش می‌رود. البته این بدان معنا نیست که جوامعی همچون جامعه ما که از یک فرهنگ دینی و اخلاقی برخوردارند، از عوارض چنین رسانه‌ای به طور کلی در امان خواهند بود، چرا که دسترسی به شبکه‌های اینترنتی و آنتن‌های ماهواره‌ای در کشور ما نیز به سهولت امکان پذیر است و می‌تواند تمامی آسیب‌های مذکور را در پی داشته باشد، هر چند حاکمیت یک نظام ارزشی و اخلاقی می‌تواند حتی‌الامکان از شدت آسیب‌های وارده بکاهد. در هر صورت، با توجه به اینکه رسانه تصویری تلویزیون در کشور ما از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، مقاله حاضر با درک حساسیت موضوع و براساس یک تحقیق علمی که در راستای «تأثیر تماشای پیوسته تلویزیون در بروز آسیب‌های اجتماعی از دیدگاه دانشجویان مقطع دکتری مدیریت فرهنگی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات اصفهان» صورت پذیرفته، تهیه و تنظیم گردیده است.



اهداف پژوهش

هدف اصلی

مطالعه و بررسی آسیب های اجتماعی ناشی از تماشای پیوسته تلویزیون از دیدگاه دانشجویان دکتری مدیریت فرهنگی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات اصفهان.

اهداف کاربردی

۱. شناسایی مهمترین آسیب های اجتماعی ناشی از تماشای پیوسته تلویزیون از دیدگاه دانشجویان دکتری مدیریت فرهنگی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات اصفهان.
۲. ارائه راهکارهای موثر و کاربردی جهت کاهش آسیب های اجتماعی حاصل از تماشای پیوسته تلویزیون.

فرضیه های پژوهش

فرضیه اصلی پژوهش: میان تماشای پیوسته تلویزیون و بروز آسیب های اجتماعی رابطه معنی داری وجود دارد. فرضیه فوق، وجود رابطه ای معنی دار میان متغیرهای مستقل و وابسته را متصور است که شامل شش فرضیه ذیل است:

۱. میان تماشای پیوسته تلویزیون و تغییر و دگرگونی در ادراکات و دریافت های انسانی رابطه معنی داری وجود دارد.
۲. میان تماشای پیوسته تلویزیون و کنش و واکنش های دماغی (فکری) رابطه معناداری وجود دارد.
۳. میان تماشای پیوسته تلویزیون و قدرت تخیل و مکانیسم خلاقیت های ذهنی رابطه معنی داری وجود دارد.
۴. میان تماشای پیوسته تلویزیون و شکاف طبقاتی رابطه معنی داری وجود دارد.
۵. میان تماشای پیوسته تلویزیون و تغییر جایگاه این رسانه در زندگی اجتماعی رابطه معنی داری وجود دارد.
۶. میان تماشای پیوسته تلویزیون و تأثیر آن بر انحراف روش های پژوهش اثر بخشی پیام رابطه معنی داری وجود دارد.

مبانی نظری

تکنولوژی نوین که ثمره عقل انسان است باعث گردیده که ناممکن های دیروز نه تنها ممکن بلکه جزو بدیهیات گردد. در واقع جهش علمی و صنعتی قرون ۱۹ و ۲۰ با کنار زدن خرد، اخلاق و معیارهای ارزشی، از الهه دانش و صنم فن و تکنیک دو غول دهشتناکی ساخته که فرهنگ و تمدن چند هزار ساله را با خطر انحطاط مواجه ساخته است. ابزارهای ارتباط جمعی و رسانه های الکترونی و تصویری خاصه تلویزیون که روزگاری عامل رشد و شکوفایی بشر محسوب می شد، امروزه به عاملی در جهت تضعیف قوای دماغی، فکری و روحی انسان بدل شده است. تحقیقات انجام شده در کشورهای پیشرفته صنعتی که گسترده ترین شبکه اطلاع رسانی الکترونی و تلویزیونی را دارا هستند، بیانگر نتایج تکان دهنده ای است.

«نیل پستمن»^۵ جامعه شناس و پژوهشگر مسائل ارتباط جمعی ضمن هشدار نسبت به تأثیر و کاربرد تکنولوژی بدون اخلاق، تأثیر رسانه ها به ویژه تلویزیون بر فکر و شعور و اندیشه، و نظام شکل گیری آراء و عقاید جامعه آمریکا را مورد بررسی قرار داده و معتقد است؛ «آمریکائیان که بیشترین وقت را به تماشای تلویزیون اختصاص می دهند، به عنوان سرگرم ترین ملت جهان غرب (به تلویزیون) کم اطلاع ترین و بی خبرترین مردمی هستند که از حداقل اطلاعات عمومی بهره مندند».

«وقتی ملتی عنان شعور و اندیشه خود را به دست روزمره گی می سپارد یا هنگامی که حیات فرهنگی معنا و مفهومی نو و جدید می یابد و عبارت می شود از یک سلسله نمایش های شادی زا و خیمه شب بازهای سرگرم کننده و وظیفه حراست و حفظ ارزش های فرهنگی او را سازمان های غول پیکر و عریض و طویل تولید خوشی و بی غمی عهده دار می شوند، همچنین زمانی که مقوله ای به نام شعور اجتماعی و محاورات عامه و مناظرات و گفتگوهای مردم به اشکال بی اعتنا و یک دست قهقهه و غریو شادی های جمعی درآمده و در این قالب تجلی پیدا می کند و خلاصه زمانی که از شهروند متعهد - عصر کتابخوانی و رسانه های نوشتاری - تماشای بی خیالی ساخته می شود و مسائل اجتماعی انسان ها تا مرز واریته های نمایشی تنزل می یابد، آن وقت است که مجموعه ملت در خطر قرار گرفته و اسیر بحران می شود. در چنین حالتی است که مرگ تدریجی فرهنگ و زوال آن تهدیدی واقعی به شمار می آید. بررسی های انجام گرفته، همواره حاکی از آن است که ورای زوال فرهنگ، تماشای مستمر تلویزیون، صرف نظر از محتوای آن، کاهش قوای دماغی و زوال

قدرت های تخیل و حافظه و تعقل را به دنبال داشته و قدرت یادگیری را به ویژه در کودکان و نوجوانان از بین می برد».
(پستمن، ۱۳۸۸ : ۱۱)

پروفسور «الیزابت نوئل نوی مان^۷»، صاحب کرسی انفورماتیک دانشگاه ماینس آلمان در راستای انجام یک پژوهش علمی در این رابطه چنین اظهار نظر می کند که «همان گونه که نسبت به از بین رفتن جنگل ها و تخریب محیط زیست حساسیم و آینده نگری و طراحی می کنیم، لازم است تا در مورد فرهنگ آینده جامعه خود نیز بیندیشیم. فرهنگی که براساس کتابت و رشد سواد عمومی و شکوفایی و گسترش دانش استوار بوده است و اکنون در اثر گسترش تلویزیون رو به ویرانی و انحطاط گذارده است».

انسان های عصر حاضر در تمامی جوامع به ویژه در کشورهای صنعتی و پیشرفته ای که به زمینه های اخلاقی نیز چندان توجه ای ندارند، حاکمیت و قدرت تعیین سرنوشت خویش را یک سره از دست داده و یک جا آن را به وسایل ارتباط جمعی سپرده اند. به طوری که این وسایل ارتباط جمعی هستند که در همه ابعاد، تعیین می کنند که چه ببینیم، چگونه و به چه فکر کنیم، چه چیزی را بیاموزیم، چه چیزی را بشنویم و ...

در واقع این وسایل ارتباط جمعی هستند که حاکمیت ما را بر خود، اندیشه و احساس و ادراک مان و نیز بر روابط انسانی و اجتماعی مان، از ما ربوده اند و عملاً از سرِ خوشی، تفریح و سرگرمی، مهلکه ای برای ما ساخته اند. باران بلایی که در دنیای کنونی بر سر جوامع صنعتی و پیشرفته باریده شامل؛ بی فرهنگی، لجام گسیختگی انسان، فقدان شعور اجتماعی، انهدام مبانی خانواده، زوال اصول فرهنگی، متلاشی شدن پیوندها و روابط اجتماعی، تخریب باورهای مذهبی انسان ساز، تخلیه ارزشی نماها و مظاهر ملی و افول اختر فرهنگ ملی و هدم قدرت تسلط انسان بر سرنوشت خود و جامعه خویش می باشد که همه و همه معلول تسلیم بی قید و شرط جامعه به رسانه ای به نام تلویزیون و نظامی به نام «تکنوپولی»^۸ است. (پستمن، ۱۳۸۶)

خطر تلویزیون در انهدام فرهنگ و بروز آسیب های اجتماعی زمانی آغاز می شود که این ابزار سرگرمی و تفریح و وقت گذرانی، تمامی مقوله های علم، فلسفه، اخلاق، دین، سیاست، تاریخ، فرهنگ و حتی خبر را در قالب سرگرمی و تفریح عرضه می کند. ماهیت ذاتی این ابزار ایجاب می کند که این مباحث به عنوان سرگرمی و تفریح و گذران وقت در انطباق با پذیرش های درونی (ایدئولوژی این وسیله) ارائه گردد. در اصل به علت بروز همین عوارض است که از حالت انسان ساز خارج شده و در نهایت کارش به پوچی و انهدام می انجامد. در این حالت است که شخصیت و قیومت اندیشه

انسان را از او می‌رباید و دوران بردگی او را در نظام جدید پایدار می‌سازد و پایه دموکراسی و آزادی انسان، مورد هجوم قرار می‌گیرد.

از این موضوع نیز نباید به سادگی گذر کرد که در شرایط کنونی، تلویزیون و همچنین شبکه‌های اینترنتی، مهمترین و موثرترین ابزارهای نظام سلطه محسوب می‌شوند. چرا که کشورهای سلطه‌گر برای چپاول جوامع صاحب ثروت و تسلط پایدار بر آنها مهمترین حربه را تسلط فرهنگی می‌دانند و طبعاً در این مسیر، برنامه‌ها و سیاست‌های خود را از طریق شبکه‌های اینترنتی و آنتن‌های ماهواره‌ای و از قاب تلویزیون به مخاطبین ارائه می‌دهند. قدرت‌های سلطه‌گر و کانون‌های وابسته به نظام سود و تجارت، با بهره‌گیری از واریته‌های تلویزیونی، میزان اراده و تأثیر آرمان‌های مردم را بر سرنوشت‌شان، آن چنان تنزل داده و دستخوش تحریف ساخته و آن چنان آنان را با قلب تعریف و دگرگونی مفاهیم خود داده‌اند که هر چه به آن‌ها گفته شود باور می‌کنند، چون دلیلی برای باور نکردن نمی‌یابند.

اگر چه شاید چنین به نظر برسد که کشور ما با برخورداری از حاکمیت نظام دینی و داشتن حصار ارزشی و اخلاقی در برنامه‌های تلویزیونی، از چنین مصائب دنیای ارتباطی در امان خواهد ماند اما دسترسی سهل و آسان و ارزان قیمت به تمامی شبکه‌های اینترنتی و آنتن‌های ماهواره‌ای، عملاً چنین مصونیتی را تا حد زیادی تنزل داده است. طبعاً اگر ناکارآمدی برخی از مدیران و همچنین ضعف مفرط برخی از برنامه‌های تلویزیونی را نیز اضافه کنیم، به عمق آسیب‌های اجتماعی وارده، ناشی از رسانه‌های سمعی و بصری به ویژه تلویزیون پی خواهیم برد.

روش‌شناسی

الف- روش پژوهش

روش انجام این پژوهش بر مبنای هدف؛ کاربردی و به لحاظ اجرا؛ توصیفی - پیمایشی است. به عبارت دیگر، اطلاعات مربوط به ادبیات و چارچوب تئوریک، اهداف و تبیین فرضیات، به صورت توصیفی و با ابزار کتابخانه‌ای و جمع‌آوری اطلاعات جهت تجزیه و تحلیل و تأیید یا رد فرضیات، به روش میدانی صورت گرفته است. از نظر موضوعی نیز پژوهش در حوزه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی - اجتماعی قرار دارد. ضمن اینکه از نظر قلمرو مکانی این پژوهش در دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات اصفهان صورت گرفته است.

ب- نمونه و روش نمونه‌گیری

از میان جامعه آماری دانشجویان مقطع دکتری رشته‌های علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات اصفهان، دانشجویان رشته مدیریت فرهنگی با توجه به ارتباط موضوعی رشته تحصیلی‌شان، به عنوان نمونه آماری انتخاب گردیده‌اند. در واقع نمونه آماری با قصد قبلی انتخاب گردیده است. بر این اساس پرسشنامه مابین تمامی ۱۲ دانشجوی در حال تحصیل و قابل دسترس رشته مدیریت فرهنگی توزیع گردیده است.

ج- ابزار گردآوری داده‌های پژوهش

پس از انجام مطالعات مقدماتی و کسب اطلاعات اولیه و تعیین حیطه‌های مربوط به هر یک از فرضیات فرعی تحقیق، نسبت به تهیه و تنظیم پرسشنامه برای گردآوری داده‌ها اقدام گردیده است. پرسشنامه تحقیق از نوع بسته پاسخ و بر اساس مقیاس لیکرت طراحی شده و دارای ۲۸ سؤال می‌باشد. این پرسشنامه پس از بررسی پایایی و روایی‌اش به تعداد حجم نمونه توزیع گردیده است. لازم به ذکر است که ضریب پایایی پرسشنامه موردنظر از روش «آلفای کرونباخ» محاسبه گردیده و معادل ۰/۹۰۴ بوده است. روایی آن نیز که از نظر صوری (براساس نظرات کارشناسان و متخصصان) و محتوایی (براساس میزان همبستگی سؤالات) تعیین گردیده، قابل قبول بوده است.

نتایج آزمون و تحلیل فرضیه‌های پژوهش

به منظور تأیید یا رد هر یک از فرضیات و تعیین وجود (H_1) یا عدم وجود (H_0) رابطه معنی‌دار میان متغیرهای مستقل و وابسته تحقیق از آزمون t (تک نمونه‌ای) استفاده شده است. ضمن اینکه میانگین نظرات گروه‌های جنسی از طریق آزمون t مستقل مورد مقایسه قرار گرفته است. مهم‌ترین حیطه از دیدگاه نمونه مورد بررسی نیز از طریق آزمون «فریدمن» و بررسی میانگین نظرات و رتبه‌بندی آنها، تعیین گردیده است.

بررسی و آزمون فرضیه فرعی اول

فرضیه فرعی: میان تماشای پیوسته تلویزیون و تغییر و دگرگونی در ادراک و دریافت‌های انسانی رابطه معنی‌داری وجود دارد.

$H_0: \mu \leq 3$: میان تماشای پیوسته تلویزیون و تغییر و دگرگونی در ادراک و دریافت‌های انسانی رابطه معنی‌داری وجود ندارد.

$H_1: \mu > 3$: میان تماشای پیوسته تلویزیون و تغییر و دگرگونی در ادراک و دریافت‌های انسانی رابطه معنی‌داری وجود دارد.

جدول (۱): بررسی و آزمون فرضیه فرعی اول بر اساس آزمون t (تک نمونه‌ای)

فرضیه فرعی	حیطه‌ها	Mean	SD	df	t	Sig
۱- تضعیف قدرت ادراک		۳/۳۹	۰/۸۸	۱۱	۱/۵۲	۰/۱۳

اول	۲- تنزل شعور اجتماعی	۳/۱۷	۱/۲۶	۱۱	۰/۴۵	۰/۶۶
	۳- تغییر سبک اظهار نظر	۴	۰/۴۲	۱۱	۸/۱۲	۰/۰۰۰۱
	۴- شکسته شدن قُبَح رذائل اخلاقی	۳/۸۳	۰/۶۸	۱۱	۴/۲۱	۰/۰۰۰۱
		Sig = ۰/۰۰۶		t = ۳/۳۶		

بر اساس نتایج حاصل از جدول فوق، مقدار t محاسبه شده برای حیطة‌های اول و دوم از مقدار بحرانی جدول، کوچکتر و سطح معنی دار محاسبه شده از سطح حساس $۰/۰۵$ بزرگتر است. برای حیطة‌های سوم و چهارم، مقدار t محاسبه شده از مقدار بحرانی جدول، بزرگتر و سطح معنی دار محاسبه شده از سطح حساس $۰/۰۵$ کوچکتر است. یعنی فرض تحقیق H_1 مبنی بر وجود رابطه معنی دار میان تماشای مستمر تلویزیون و «تغییر سبک اظهار نظر» و «شکسته شدن قُبَح رذائل اخلاقی» تأیید می‌گردد و فرض H_0 رد می‌شود. در مورد حیطة‌های اول و دوم نیز عکس این حالت صادق است. البته مقدار t و سطح معنی دار محاسبه شده برای تمامی حیطة‌های فرضیه، بیانگر آنست که فرضیه فرعی اول تأیید می‌گردد، هر چند از نظر نمونه آماری مورد نظر، میان تماشای مستمر تلویزیون تغییر سبک اظهار نظر و شکسته شدن قُبَح رذائل اخلاقی ارتباط بیشتری وجود دارد.

بررسی و آزمون فرضیه فرعی دوم

فرضیه فرعی: میان تماشای پیوسته تلویزیون و کنش و واکنش‌های دماغی (فکری) رابطه معنی داری وجود دارد.

H_0 : میان تماشای پیوسته تلویزیون و کنش و واکنش‌های دماغی رابطه معنی داری وجود ندارد.

H_1 : میان تماشای پیوسته تلویزیون و کنش و واکنش‌های دماغی رابطه معنی داری وجود دارد.

جدول (۲): بررسی و آزمون فرضیه فرعی دوم بر اساس آزمون t (تک نمونه‌ای)

حیطة‌ها	Mean	SD	df	t	Sig
۱- تضعیف قدرت فکر و تحلیل و استنباط	۳/۸۳	۰/۵۸	۱۱	۵	۰/۰۰۰۱
۲- برداشت‌های ضد و نقیض	۳/۸۳	۰/۵۸	۱۱	۵	۰/۰۰۰۱
		Sig = ۰/۰۰۰۱		t = ۵	

نتایج مندرج در جدول (۲) بیانگر آن است که مقدار t محاسبه شده برای هر دو حیطة از مقدار بحرانی جدول بزرگتر و همچنین سطح معنی دار محاسبه شده از سطح حساس $۰/۰۵$ کوچکتر است. یعنی برای هر دو حیطة، فرض تحقیق (H_1) مبنی بر وجود رابطه معنی دار میان تماشای مستمر تلویزیون و «تضعیف قدرت فکر» و «برداشت‌های ضد و نقیض» تأیید و فرض H_0 رد می‌شود. به بیان دیگر اعضاء نمونه آماری در این تحقیق تأثیر تماشای مستمر تلویزیون بر تضعیف قدرت فکر و ایجاد برداشت‌های ضد و نقیض را تأیید نموده‌اند. مقدار t و سطح معنی دار محاسبه شده برای

مجموعه حیطه‌ها در فرضیه فرعی دوم نیز حاکی از تأیید فرضیه مذکور و وجود رابطه معنی‌دار میان تماشای پیوسته تلویزیون و کنش و واکنش‌های دماغی است.

بررسی و آزمون فرضیه فرعی سوم

فرضیه فرعی: میان تماشای پیوسته تلویزیون و قدرت تخیل و مکانیسم خلاقیت‌های ذهنی رابطه معنی‌داری وجود دارد.

H_0 : میان تماشای پیوسته تلویزیون و قدرت تخیل و مکانیسم خلاقیت‌های ذهنی رابطه معنی‌داری وجود ندارد.

H_1 : میان تماشای پیوسته تلویزیون و قدرت تخیل و مکانیسم خلاقیت‌های ذهنی رابطه معنی‌داری وجود دارد.

جدول (۳): بررسی و آزمون فرضیه فرعی سوم بر اساس آزمون t (تک نمونه‌ای)

Sig	t	df	SD	Mean	حیطه‌ها	فرضیه فرعی سوم
۰/۰۲۱	۲/۶۹	۱۱	۰/۴۸	۳/۳۷	۱- تضعیف قدرت قرائت و توانایی‌های زبانی	
۰/۸۱	۰/۲۵	۱۱	۱/۱۶	۳/۰۸	۲- تضعیف قدرت نگارش	
۰/۰۰۰۱	۶/۲۹	۱۱	۰/۵۹	۴/۰۸	۳- ایجاد روحیه نامتعادل	
۰/۰۲۴	۲/۶۱	۱۱	۰/۷۵	۳/۵۶	۴- تضعیف قدرت تشخیص	
t = ۲/۹۳				Sig = ۰/۰۱۴		

بر اساس نتایج حاصل از آزمون، مقدار t محاسبه شده برای تمامی حیطه‌های فرضیه سوم به جز حیطه دوم بزرگ‌تر از مقدر بحرانی جدول می‌باشد. علاوه بر این، سطح معنی‌دار محاسبه شده برای همه حیطه‌ها به استثناء حیطه دوم یعنی «تضعیف قدرت نگارش» از سطح حساس ۰/۰۵ کوچکتر است. لذا فرض تحقیق (H_1) برای حیطه‌های اول، سوم و چهارم مبنی بر وجود رابطه معنی‌دار میان تماشای پیوسته تلویزیون و حیطه‌های مذکور، پذیرفته و فرض H_0 رد می‌شود. در واقع از دیدگاه نمونه آماری موردنظر، تأثیر تماشای پیوسته تلویزیون بر «تضعیف قدرت قرائت و توانایی‌های زبانی» و «ایجاد روحیه نامتعادل در افراد» و «تضعیف قدرت تشخیص واقعیات»، نسبت به «تضعیف قدرت نگارش افراد» بیشتر بوده است. در مجموع مقدار t و سطح معنی‌دار محاسبه شده برای تمامی حیطه‌های فرضیه فرعی سوم، نشان از تأیید این فرضیه دارد، به طوری که می‌توان گفت؛ میان تماشای پیوسته تلویزیون و قدرت تخیل و مکانیسم خلاقیت‌های ذهنی، رابطه معنی‌داری وجود دارد.

بررسی و آزمون فرضیه فرعی چهارم

فرضیه فرعی: میان تماشای پیوسته تلویزیون و ایجاد شکاف طبقاتی رابطه معنی داری وجود دارد.

H_0 : میان تماشای پیوسته تلویزیون و ایجاد شکاف طبقاتی رابطه معنی داری وجود ندارد.

H_1 : میان تماشای پیوسته تلویزیون و ایجاد شکاف طبقاتی رابطه معنی داری وجود دارد.

جدول (۴): بررسی و آزمون فرضیه فرعی چهارم بر اساس آزمون t (تک نمونه‌ای)

Sig	t	df	SD	Mean	حیطه‌ها	فرضیه فرعی چهارم
۰/۰۱۲	۲/۹۹	۱۱	۰/۷۰	۳/۶۱	۱- تفکیک جامعه به گروه‌های روشن‌فکر و غیر روشن‌فکر (دانا و نادان)	
۰/۰۴۳	۲/۲۸	۱۱	۱/۱۴	۳/۷۵	۲- تنش‌هاش سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و عاطفی	
t = ۲/۷۹ Sig = ۰/۰۱۸						

با توجه به نتایج جدول (۴)، مقدار t محاسبه شده برای هر یک از دو حیطه فرضیه فرعی چهارم، بزرگتر از مقدار بحرانی جدول می‌باشد. سطح معنی دار محاسبه شده نیز در هر دو مورد از سطح حساس ۰/۰۵ کوچک‌تر است. یعنی فرض تحقیق (H_1) تأیید و فرض H_0 رد می‌شود. یعنی پاسخ‌دهندگان در پاسخ به سؤالات مربوط به حیطه‌های فرضیه فرعی چهارم، تأثیر تماشای پیوسته تلویزیون در ایجاد تنش‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و عاطفی و همچنین تفکیک جامعه به گروه‌های روشن‌فکر و غیر روشن‌فکر را تأیید نموده‌اند. مقدار t و سطح معنی دار محاسبه شده برای کل حیطه‌های فرضیه فرعی چهارم نیز حاکی از تأیید این فرضیه در سطح اطمینان ۰/۹۵ می‌باشد.

بررسی و آزمون فرضیه فرعی پنجم

فرضیه فرعی: میان تماشای پیوسته تلویزیون و تغییر جایگاه این رسانه در زندگی اجتماعی رابطه معنی داری وجود دارد.

H_0 : میان تماشای پیوسته تلویزیون و تغییر جایگاه این رسانه در زندگی اجتماعی رابطه معنی داری وجود ندارد.

H_1 : میان تماشای پیوسته تلویزیون و تغییر جایگاه این رسانه در زندگی اجتماعی رابطه معنی داری وجود دارد.

جدول (۵): بررسی و آزمون فرضیه فرعی پنجم بر اساس آزمون t (تک نمونه‌ای)

Sig	t	df	SD	Mean	حیطه‌ها	فرضیه فرعی پنجم
۰/۰۰۰	۱۰/۶۵	۱۱	۰/۵۱	۴/۵۸	۱- آموزش	
۰/۰۰۰	۹/۳۸	۱۱	۰/۴۹	۴/۳۳	۲- نظارت	
t = ۱۲/۷۴ Sig = ۰/۰۰۰۱						

نتایج جدول فوق، نشانگر آن است که مقدار t محاسبه شده برای حیطه‌های «آموزش» و «نظارت» از مقدار بحرانی جدول بزرگتر و سطح معنی‌دار محاسبه شده نیز در هر دو مورد از سطح حساس $0/05$ کوچکتر است. بر این اساس فرض تحقیق (H_1) مبنی بر وجود رابطه معنی‌دار میان تماشای پیوسته تلویزیون و تغییر جایگاه این رسانه در زندگی اجتماعی تأیید می‌گردد. در واقع از نظر نمونه مورد بررسی، پائین بودن سطح آگاهی خانواده‌ها و نظارت ضعیف آنان بر استفاده متعادل و صحیح از تلویزیون در بروز آسیب‌های اجتماعی ناشی از تماشای مستمر تلویزیون نقش داشته‌است.

بررسی و آزمون فرضیه فرعی ششم

فرضیه فرعی: میان تماشای پیوسته تلویزیون و تأثیر آن بر انحراف روش‌های پژوهش اثربخشی پیام رابطه معنی‌داری وجود دارد.

H_0 : میان تماشای پیوسته تلویزیون و تأثیر آن بر انحراف روش‌های پژوهش اثربخشی پیام رابطه معنی‌داری وجود ندارد.

H_1 : میان تماشای پیوسته تلویزیون و تأثیر آن بر انحراف روش‌های پژوهش اثربخشی پیام رابطه معنی‌داری وجود دارد.

جدول (۶): بررسی و آزمون فرضیه فرعی ششم بر اساس آزمون t (تک نمونه‌ای)

Sig	t	df	SD	Mean	حیطه‌ها	فرضیه فرعی ششم
۰/۲۶	۱/۱۷	۱۱	۰/۹۸	۳/۳۳	۱- تنزل کیفی برنامه‌ها	
۰/۰۶	۲/۰۳	۱۱	۰/۹۹	۳/۵۸	۲- تحریف نتایج نظرسنجی	
				$t = 1/78$	$Sig = 0/10$	

نتایج حاصل از آزمون انجام شده برای حیطه‌های فرضیه ششم، حاکی از آن است که مقدار t محاسبه شده از مقدار بحرانی جدول کوچک‌تر و سطح معنی‌دار محاسبه شده نیز از سطح حساس $0/05$ بزرگتر است. یعنی فرض تحقیق (H_1) مبنی بر وجود رابطه معنی‌دار میان تماشای پیوسته تلویزیون و انحراف در روش‌های پژوهش اثربخشی پیام در سطح اطمینان $0/95$ رد می‌شود. یعنی فرضیه ششم در این سطح از اطمینان تأیید نمی‌گردد. در واقع با توجه به میانگین نظرات می‌توان چنین نتیجه گرفت که از دیدگاه نمونه آماری مورد بررسی، تماشای مستمر تلویزیون در تنزل کیفی و تحریف نتایج نظرسنجی‌های به عمل آمده از بینندگان تلویزیونی تأثیرگذار است، اما این اثرگذاری در سطحی پائین‌تر از سطح اطمینان $0/95$ قرار دارد.

بررسی و آزمون فرضیه اصلی

فرضیه اصلی: میان تماشای پیوسته تلویزیون و بروز آسیب‌های اجتماعی رابطه معنی‌داری وجود دارد.

H_0 : میان تماشای پیوسته تلویزیون و بروز آسیب‌های اجتماعی رابطه معنی‌داری وجود ندارد.

H_1 : میان تماشای پیوسته تلویزیون و بروز آسیب‌های اجتماعی رابطه معنی‌داری وجود دارد.

جدول (۷): بررسی و آزمون فرضیه اصلی بر اساس آزمون t (تک نمونه‌ای)

Sig	t	df	SD	Mean	فرضیه اصلی
۰/۰۰۰۱	۵/۶۰	۱۱	۰/۴۶	۳/۷۶	

با توجه به کلیه حیطه‌های طراحی شده و بر اساس آزمون t (تک نمونه‌ای)، فرضیه اصلی تحقیق نیز مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج حاصل از این بررسی بیانگر این واقعیت است که مقدار t محاسبه شده از مقدار بحرانی جدول بزرگتر و سطح معنی‌دار محاسبه شده نیز از سطح حساس ۰/۰۵ کوچکتر است. یعنی فرض تحقیق (H_1) تأیید و فرض H_0 رد می‌شود. به عبارتی میان تماشای پیوسته تلویزیون و بروز آسیب‌های اجتماعی رابطه معنی‌داری وجود دارد، که این نیز حاکی از تأیید فرضیه اصلی تحقیق می‌باشد.

مقایسه میانگین نظرات گروه‌های جنسی نسبت به هر یک از حیطه‌های فرضیه‌های تحقیق

به منظور بررسی یکسان بودن (H_0) یا یکسان نبودن (H_1) میانگین نظرات گروه‌های جنسی نسبت به هر یک از حیطه‌های فرضیه‌های تحقیق از آزمون پارامتریک t مستقل استفاده شده است.

$H_0 : \mu_1 = \mu_2$: ما بین میانگین نظرات دانشجویان مرد و زن نسبت به حیطه‌های فرضیه‌های تحقیق تفاوتی وجود ندارد.

$H_1 : \mu_1 \neq \mu_2$: ما بین میانگین نظرات دانشجویان مرد و زن نسبت به حیطه‌های فرضیه‌های تحقیق تفاوت وجود دارد.

جدول (۸) : مقایسه میانگین نظرات گروه‌های جنسی نسبت به فرضیه‌های تحقیق

Sig	t	زن		مرد		فرضیه‌های تحقیق
		انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	
۰/۰۸۲	۱/۹۳	۰/۴۶	۴/۰۳	۰/۵۸	۳/۳۸	فرضیه فرعی (۱)
۰/۵۰	۰/۶۹	۰/۴۱	۴	۰/۶۵	۳/۷۵	فرضیه فرعی (۲)
۰/۱۱	۱/۷۷	۰/۳۱	۳/۹۳	۰/۶۵	۳/۳۲	فرضیه فرعی (۳)
۰/۴۵	۰/۷۹	۰/۲۸	۳/۹۵	۱/۰۱	۳/۵۴	فرضیه فرعی (۴)
۰/۸۱	۰/۲۵	۰/۴۱	۴/۵	۰/۴۲	۴/۴۳	فرضیه فرعی (۵)
۰/۴۵	۰/۷۹	۱/۰۴	۳/۷۵	۰/۸۴	۳/۳۱	فرضیه فرعی (۶)
۰/۱۷	۱/۴۹	۰/۳۲	۴/۰۳	۰/۴۸	۳/۶۲	فرضیه اصلی

نتایج حاصل از بررسی انجام شده گواه آن است که مقدار t محاسبه شده برای تمامی فرضیه‌ها از مقدار بحرانی جدول کوچک‌تر و همچنین سطح معنی‌دار محاسبه شده از سطح حساس ۰/۰۵ بزرگتر است. بنابراین در مورد تمامی فرضیه‌ها فرض H_0 پذیرفته و فرض H_1 رد می‌شود. یعنی آزمون معنی‌دار نبوده و ما بین میانگین نظرات گروه‌های جنسی تفاوتی وجود ندارد. به عبارت دیگر دانشجویان مرد و زن در مجموع، در پاسخ به سؤالات مربوط به حیطه‌های فرضیه‌های مذکور، هم‌عقیده می‌باشند و همه آنها تماشای مستمر تلویزیون را موجب بروز آسیب‌های اجتماعی به ویژه در نوجوانان و جوانان می‌دانند.

مقایسه میانگین نظرات و تعیین اولویت فرضیه‌های فرعی تحقیق بر اساس آزمون فریدمن به منظور تعیین اهمیت و اولویت هر یک از فرضیه‌های فرعی تحقیق از نظر پاسخ‌دهندگان، میانگین نظرات آنان بر اساس آزمون «فریدمن» و شاخص «کای اسکور» مورد بررسی و رتبه‌بندی قرار گرفته است.

جدول (۹): تعیین اولویت فرضیه‌های تحقیق بر اساس آزمون فریدمن

میانگین رتبه‌ها	فرضیه‌های تحقیق
۳/۳۳	فرضیه فرعی (۱)
۳/۷۵	فرضیه فرعی (۲)
۲/۷۵	فرضیه فرعی (۳)
۲/۹۶	فرضیه فرعی (۴)
۵/۵۸	فرضیه فرعی (۵)
۲/۶۳	فرضیه فرعی (۶)

نتایج مندرج در جدول فوق، نشان می‌دهد که فرضیه فرعی (۵) و سپس فرضیه فرعی (۲) و (۱) به ترتیب از نظر آزمون‌شوندگان بیشترین اهمیت را داشته‌اند. به عبارت دیگر از دیدگاه نمونه مورد بررسی، تغییر جایگاه رسانه تصویری تلویزیون در زندگی اجتماعی افراد، با اهمیت‌ترین آسیب اجتماعی ناشی از تماشای مستمر تلویزیون محسوب می‌گردد. در این مورد پائین بودن سطح آگاهی خانواده‌ها و نظارت ضعیف آنها بر استفاده متعادل از تلویزیون، بیشترین تأثیر را داشته است. تضعیف قدرت ادراک و دریافت‌های انسان و همچنین کنش و واکنش‌های دماغی (فکری) افراد، از دیگر آسیب‌های اجتماعی با اهمیتی است که در راستای تماشای مستمر تلویزیون ایجاد می‌گردد.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در دنیای فراصنعتی امروز که ارتباطات، مهمترین یا حداقل یکی از ارزش‌ترین ثروت جوامع محسوب می‌گردد، تلویزیون، یکی از گسترده‌ترین وسایل ارتباط جمعی به حساب می‌آید که البته تبعات ویرانگر آن را نمی‌توان نادیده گرفت. بر همین اساس در راستای یک تحقیق علمی و با توجه به دیدگاه‌ها و نظرات اندیشمندانی همچون «نیل پستمن»، تأثیر تماشای مستمر تلویزیون در بروز آسیب‌های اجتماعی در کشور مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ها و تجزیه و تحلیل‌های به عمل آمده، بیانگر آن است که جامعه مورد بررسی در این تحقیق، ضمن تأیید تأثیر تماشای پیوسته تلویزیون در بروز آسیب‌های اجتماعی، بیشترین تأثیر حاصله را در تغییر جایگاه این رسانه تصویری در زندگی اجتماعی افراد و تضعیف کنش و واکنش‌های دماغی و قدرت ادراک و دریافت افراد به ویژه جوان‌ترها می‌دانند. از دیدگاه این گروه، نظارت ضعیف و پائین بودن آگاهی خانواده‌ها نسبت به آسیب‌های ناشی از استفاده پیوسته و نادرست از تلویزیون، مهم‌ترین علت بروز این‌گونه عوارض است. ضمن اینکه از نقطه نظر جامعه آماری مورد نظر؛ تضعیف قدرت تفکر و تحلیل، برداشت‌های ضد و نقیض نسبت به موضوعات یکسان، تغییر شیوه سخن گفتن، شکسته شدن قُبْحِ رذائل اخلاقی، افزایش میزان جرم و جنایت، تحریف استنباط افراد از واقعیت‌ها، تنزل شعور اجتماعی، تشدید تنش‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و عاطفی، ایجاد شکاف طبقاتی و تضعیف قدرت خلاقیت افراد، به ترتیب از مهم‌ترین آسیب‌های وارده رسانه تصویری تلویزیون محسوب می‌گردد. البته جامعه آماری مورد بررسی در این پژوهش، تأثیر تماشای بیش از حد و نامتعادل تلویزیون در تحریف نتایج نظرسنجی‌های به عمل آمده پیرامون برنامه‌ها و پیام‌های تلویزیونی را نسبت به دیگر عوامل، کمتر ارزیابی نموده است.

با پذیرش و تأیید آسیب‌های ناشی از تماشای پیوسته تلویزیون به نظر می‌رسد مهم‌ترین راهکار در مواجهه با هر پدیده صنعتی و تکنولوژیک همچون تلویزیون، حفظ «تعادل جاری» است. زیرا تعادل جاری در برخورد با پدیده‌های تکنولوژیک می‌تواند حافظ سلامت جسم و روح افراد باشد. طبعاً ممانعت در برخورد با پدیده‌های تکنولوژیک نمی‌تواند به عنوان راهکاری مؤثر پیشنهاد گردد. در این ارتباط، هر یک از افراد جامعه و رهبران و مدیران باید بدون توجه به اینکه دیگری چه وظیفه‌ای دارد، وظایف خود را انجام دهند. ضمن اینکه تعیین رابطه متقابل فرد و جامعه در زمینه رسانه‌های ارتباط جمعی می‌تواند از جمله مواردی باشد که علاوه بر ایجاد «تعادل جاری»، آسیب‌های ناشی از رسانه تلویزیون را تعدیل نماید. با این تفاسیر برای استفاده کارآمد و اثربخش از رسانه تصویری تلویزیون و حفظ تعادل در بهره‌گیری از آن می‌توان به پیشنهادات ذیل که عمدتاً از وظایف دولت و نهادهای فرهنگی و ارشادی بشمار می‌آید توجه نمود:

- ۱- شناسایی و توجه به جنبه‌های مثبت و منفی هر پدیده صنعتی همچون تلویزیون.
- ۲- وقوف بر تفاوت بین تکنولوژی و رسانه‌های ارتباط جمعی جهت کنترل بر محتوای برنامه‌ها و پیام‌های رسانه‌ای.
- ۳- معرفی و تبیین هویت، گذشته، تاریخ و مسیر تحولات و جنبه‌های روانی، اخلاقی و اجتماعی.
- ۴- ارائه آگاهی‌های لازم به افراد متناسب با سن و سال و وابستگی‌های اجتماعی و طبقاتی‌شان نسبت به جهان و فرهنگ مهاجم.
- ۵- استفاده از رسانه‌ها برای مقابله با اثرات مخرب آنها.
- ۶- ترویج فرهنگ مطالعه و تشویق افراد به کتابخوانی.
- ۷- ارزیابی و نظرسنجی پیرامون کیفیت و اثربخشی برنامه‌ها و پیام‌های تلویزیون و ساخت برنامه‌های آتی براساس آن.
- ۸- تغییر شیوه، رویکرد و روش برخورد با رسانه‌های خارجی و شبکه‌های ماهواره‌ای.

نکته پایانی و حائز اهمیت اینکه اعمال روش‌های سلبی و ممنوعیت استفاده از تلویزیون و به ویژه آنتن‌های ماهواره، راه علاج نیست کما اینکه تجربه گذشته نشان داده که این روش، راهکار سودمندی محسوب نمی‌شود بلکه باید کار را به نوعی انجام داد که بیننده از هر گروه سنی و اجتماعی که باشد، از درون در برخورد با این پدیده واکسینه شده باشد.

منابع و مآخذ

- ۱- آذربای. جمشید، ۱۳۶۸، نگاهی به رسانه‌های گروهی در عصر حاضر، تهران: انتشارات واحد تحقیقات اجتماعی و ارزشیابی برنامه‌های صدا و سیما.
- ۲- حسینی‌الست. حسن، ارتباطات ماهواره‌ای، تهران: انتشارات سروش.
- ۳- جهانگیریان، عباس، ۱۳۷۵، فرهنگ تئاترها و نمایش‌های تلویزیونی، تهران: دفتر هماهنگی پژوهش‌های برنامه‌ای معاونت سیما.
- ۴- پُستمن. نیل، ۱۳۸۶، تکنوپولی - تسلیم فرهنگ به تکنولوژی، ترجمه‌ی صادق طباطبائی، تهران: انتشارات اطلاعات، چاپ پنجم.
- ۵- پُستمن. نیل، ۱۳۸۸، نقش رسانه‌های تصویری در زوال دوران کودکی، ترجمه‌ی صادق طباطبائی، تهران: انتشارات اطلاعات، چاپ سوم.
- ۶- پُستمن. نیل، ۱۳۸۸، زندگی در عیش مردن در خوشی، ترجمه‌ی صادق طباطبائی، تهران: انتشارات اطلاعات، چاپ ششم.
- ۷- طباطبائی. صادق، ۱۳۸۸، طلوع ماهواره، افول فرهنگ - چه باید کرد؟، تهران: انتشارات اطلاعات. چاپ پنجم.
- ۸- روزنامه اطلاعات، ۱۲ آبان ۱۳۷۵، "انحطاط فرهنگ در عصر یورش اطلاعات".
- ۹- زورق. محمد حسن، ۱۳۸۹، ارتباطات و آگاهی، ج ۱، تهران: انتشارات سروش، چاپ اول.
- ۱۰- کازنو. ژان، ۱۳۶۴، قدرت تلویزیون، ترجمه‌ی علی اسدی، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- 11- Collins, W.A , 1982, Cognitive processing in Television-Viewing. In D, pearl (Hrsg) Television and Behavior, Bd. 2, Washington, D.C : National Institute.
- 12- Singer, D. G, Singer. J. L . u , Zukerman. D, 1981, Teaching Television: How to use Television to your child's advantage, New York: Dial press.
- 13- W.R.Newman, 1976, "patterns of recall among Television News Viewers" , in: public opinion Quarterly.